

مقدمه

غافلگیر شدن در محیط‌های کسب و کار ایران اگر نگوییم در اکثر فعالان در بیشتر آن‌ها امری طبیعی شده است. برخوردهای واکنشی بر اساس رویدادها و رخدادهای محیط اقتصادی، سیاسی، فناوری، اجتماعی و ... رفتاری تقریباً رایج و درست قلمداد می‌گردد، ولی آیا به راستی راهکاری برای بهبود تصمیم‌هادر شرایط پیچیده و با سرعت تغییرات بالا وجود ندارد؟

با کمی تحقیق متوجه خواهیم شد که موفقیت، سودآوری و پیشرو شدن فعالین، بنگاهها و کشورهای موفق شانسی نیست، بلکه بر پایه روش‌های علمی و کاربردی است. روش‌ها و راهکارهایی که زمزمه‌هایی از آن در کشور ما نیز در حال شکل گیری است. علم و هنر آینده پژوهی، دانش و مهارتی است برای بهبود تصمیم گیری در شرایط عدم قطعیت و ناپایدار، راهکاری برای افزایش زمان مواجه با رویدادهای گستته و کاهش غافلگیری‌ها. فعالین هر صنعتی به خصوص صنعت کفش در فضای حاکم بر اقتصاد و سیاست امروز کشورمان ایران نیازمند مجهر شدن به ابزارها و روش‌های نوین تصمیم گیری هستند تا بتوانند با رقبای بین المللی خود رقابت نمایند. در دهه‌های اخیر این سوال به دفعات تکرار شده است که چرا صنعت کفش ایران در دهه‌ای گذشته بسیار موفق بوده ولی در سالیان اخیر منزوی و ناتوان از رقابت گسترده با رقبای جهانی خود شده است، سوالی که پاسخ به آن به تحقیقی ژرف نیازمند است ولی در پاسخ اولیه می‌توان علاوه بر چالش‌هایی که گریبان گیر تمامی فعالین اقتصادی ایران شده است، چالش‌هایی همانند تحریم‌های بین المللی، تغییرات نرخ ارز، عدم حمایت‌های دولتی، ضعف منابع انسانی کارآمد به عدم توجه و رصد تغییر نحوه مدیریت بنگاههای موفق اشاره نمود. آیا بنگاههای سایر کشورها با تغییرات محیط، پیچیدگی‌های گسترده و ابهام مواجه نیستند؟ مطمئناً پاسخ به این سوال مثبت است و مطمئناً درجه و شدت آن برای بنگاهها و در کشورهای متفاوت، مختلف خواهد بود ولی راز موفقیت آن هاچیست؟ رصد رازهای موفقیت آن‌ها و به کارگیری علم و هنر نوین آینده پژوهی هدف اصلی این پژوهش می‌باشد، تا بتواند با کشف آینده‌های بدیل صنعت کفش ایران در گام بعد خط مشی و استراتژی‌هایی بر پایه سناریوهای اکتشافی داده و مسیر موفقیت بنگاهها را در این صنعت نمایان سازد. آنچه در ادامه مقدمه خواهدید خواند مروری است بر آینده پژوهی، ضرورت بکارگیری آن و تفاوت‌های آن با پیش‌بینی و در انتها چهار چوب پژوهش به همراه ساختار و نحوه ارتباط بین فصول تبیین شده است.

اشتیاق بشر برای دانستن درباره آینده از عهد باستان وجود داشته است پیشگویان و کاهن‌ها نمونه‌هایی از کسانی

هستند که در گذشته تلاش داشتند به نحوی به این اشتیاق در نزد خاص و عام پاسخ دهند. اولین نشانه‌های جدی تر توجه بشر به آینده در عصر روشنگری دیده می‌شود، عصری که بشر باور داشت که علوم برای هر چیزی راه حلی خواهد یافت. قوانین نیوتون در مورد حرکت، درک و تحلیل بسیاری از پدیده‌ها را ممکن ساخته بود. در اثر رشد شتابان علوم در این دوره، متغیرین عصر روشنگری واقعاً به این نتیجه رسیده بودند که تنها زمان می‌خواهد تا همه قوانین و قواعد جامعه و محیط پیرامون بشر معلوم و آشکار شود.

در همین دوران، بر خلاف گذشته که بیشتر متغیرین، افق‌های کاملاً روشنی از آینده (مدینه فاضله)، تصویر می‌گردند، تجسم‌های تیره‌تری از آینده نیز ترویج یافت. آثار متغیرینی چون اج جی ول، جورج اورول و آلدوس هاکسلی از زمرة چنین اندیشه‌هایی محسوب می‌شود و با چنین نمونه‌هایی است که کلاً آینده‌پژوهی راه خود را به ادبیات باز می‌کند. موققیت عظیم رمانهای ژول ورن و پا گرفتن سبک علمی تخیلی در ادبیات، در ادامه همین راه رخ می‌دهد.

برگزاری نمایشگاهی در سال ۱۸۹۳ که در آن اختراعات و ابداعات شگفت انگیزی نظری تلفن، لامپ برق و کینتوسکوب (اولین دوربین فیلمبرداری) معرفی شد، باعث هیجان عمومی گردید. در همان روزها یک نشریه مطرح، فراخوانی از ۷۴ شخصیت برجسته آن روزگار اعلام می‌کند و از آنان می‌خواهد که در مورد قرن بعدی پیش‌بینی‌هایی بعمل آورند. بعدها معلوم شد که پیش‌بینی‌های آنان تا حد زیادی خوبشینانه بوده و در ضمن، تقریباً هیچ یک از رخدادهای مهم قرن بیستم نظری اختراع اتمیل، رادیو و تلویزیون، بروز دو جنگ جهانی، کشف انرژی اتمی، پرواز به فضا و البته ظهرور کامپیوتر در فهرست آینده‌پژوهی آنان یافت نمی‌شد.

اولین فعالیت آینده‌پژوهی در قالب یک تحلیل علمی در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ توسط یک گروه محققین و با سرپرستی ویلیام اف آگرن در زمینه جامعه‌شناسی که علم نوپایی شناخته می‌شد، در آمریکا انجام شد. این گروه برای اولین بار متداوله‌های علمی نظری برون‌بابی و بررسی‌های علمی را در مورد روندهای اجتماعی روز آمریکا به انجام رسانده و ضمن انتشار اولین کاتالوگ روندها در آن کشور، موفق به آینده‌بینی‌های مهمی از جمله افزایش نرخ مهاجرت و ازدیاد طلاق شد. همچنین بلافصله پس از جنگ جهانی دوم، و به دنبال تجزیه و تحلیل تکنولوژی‌های مورد استفاده در آلمان و ژاپن، متدهای نوینی برای آینده‌پژوهی ابداع شد و در نتیجه آن دستاوردهای تکنولوژی مهم دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شامل رادار، موشکهای بالستیک قاره‌پیما و حمل و نقل هوایی از قبل پیش‌بینی شد.

در دوران جنگ سرد و مسابقه تسليحات هسته‌ای، دغدغه مهم دست اندکاران نظامی، پیش‌بینی زنجیره رخدادهایی بود که پس از یک رویارویی احتمالی هسته‌ای می‌توانست اتفاق بیفت. از همین رو، اولین بازی‌های جنگی به وجود آمد. این‌ها مدل‌هایی از یک رویارویی هسته‌ای بودند که احتمالات مختلف را بررسی و تحلیل می‌گردند. شکل کامل تر این مدلها، موجب بوجود آمدن سناریو شدند که امروزه یکی از مهم‌ترین ابزارهای آینده‌پژوهی محسوب می‌شود. با کمک این سناریوها، سلسله رویدادهای منتصور در یک زمان بسیار کوتاه پس از شروع یک جنگ هسته‌ای، قابل تصور و مدل کردن بوده و در نتیجه می‌توان عکس‌العمل‌ها و نحوه آمادگی‌های لازم برای روبرو شدن با چنین جنگی را تدوین نمود. این مشابه همان نقشی است که سناریو بعنوان یک ابزار در آینده‌پژوهی فعلی بازی می‌کند.

عامل دیگری که باعث رشد آینده‌پژوهی شد، تحول در طراحی و ساخت تسليحات نظامی بود. در سال‌های جنگ دوم جهانی، تانک‌ها، هوایپیماها و کشتی‌ها در مدت زمان نسبتاً کوتاهی طراحی، تکمیل و ساخته می‌شدند. اما بعد از دشوار شد بدین معنی که مدت زیادی مثلاً ده سال از شروع طراحی تا ساخته شدن نخستین نمونه محصول به طول

می‌اجامید. در نتیجه تکنولوژی بکارگرفته شده در ابتدای طراحی، در طول پیشرفت پروژه دچار تغییرات اساسی شده و اغلب در برده ساخت نمونه نخستین، از رده خارج محسوب می‌شد. در سال ۱۹۶۴ نیاز به پیش‌بینی تکنولوژی، منجر به انجام یکی از مشهورترین ارزیابی‌ها با استفاده از روش دلفی گردید. در چهارچوب حمایت‌های موسسه رند، خبرگان فناوری‌های مختلف طی یک پروژه مشترک مامور شدند که تکنولوژی‌های نوظهور در یکصد سال آینده را پیش‌بینی نمایند. بررسی آنان شش مقوله «تحولات مهم علمی»، «کنترل جمعیت»، «اتوماسیون»، «پیشرفت در زمینه علوم فضایی»، «جلوگیری از جنگ» و «سیستم‌های تسليحاتی» را شامل می‌شد. این تکنیک از افراد می‌خواست که ضمن ارایه ارزیابی خود، پراکنده‌گی پاسخ‌های سایر خبرگان را نیز در نظر گرفته و پس از بحث در مورد تفاوت‌ها، نهایتاً ارزیابی‌های تجدید نظر شده خود را ارایه کنند. نتایج این تکنیک به طرز عجیبی در پیش‌بینی ظهور تکنولوژی‌های دهه‌های بعدی، دقیق بود.

آینده‌پژوهی به مثابه یک فعالیت عمومی از دهه شصت آغاز شد. برتراند دوزوئل اولین مطالعه نظری در مورد آینده را به نام «هنر گمان» را نوشت. او در این زمینه با اشاره به این که «هیچ واقعیتی در مورد آینده وجود ندارد»، نتیجه گرفت که یافتن مدارک و استنتاجات برای آینده، نیازمند روش‌هایی غیر متداول می‌باشد.

هوشیاری نسبت به زمینه‌های آینده‌پژوهی از همین زمان آغاز شد. هاریسون براون در کتاب خود بنام «چالش پیش روی آینده بشر» در سال ۱۹۵۴ بسیاری از مسایل بوم شناسی و مسایل مربوط به توسعه را که انسان در حال حاضر با آن روبروست، پیش‌بینی کرد. راشل کارسون با نوشتمن کتاب «بهار ساکت» که در سال ۱۹۶۲ منتشر شد، با تصویرکردن دنیایی بدون سینه سرخ (نوعی پرنده)، آغازگر جنبش زیست محیطی بود. تحلیل مسایل مربوط به آینده در کتاب «مبب جمعیت» اثر پاول ارلیش و نیز کتاب محدودیتهای رشد به نقطه اوج می‌رسد. انتشار این آثار و پیش‌بینی فروپاشی جامعه صنعتی، دنیای آن زمان را دچار شوک روحی نمود. بعدها، رویدادهایی نظیر ترور برادران کندی و مارتین لوتر کینگ، جنگ ویتنام، بحران نفتی و رسوایی واتر گیت نشان داد که آینده‌پژوهان در پیش‌بینی این موضوع درست عمل کرده‌اند.

آینده‌پژوهان مثبت اندیش نیز در دهه ۶۰ به سختی مشغول فعالیت بودند. دانیل بل جامعه شناس برای اولین بار اصطلاح «جامعه فرا صنعتی» را در کتابی به همین نام به کار برد. بل سرآغاز تعداد زیادی از آینده‌پژوهان نظیر مارشال مک لوان، آلوبن تافلر و جان نیسبیت بود که آینده مورد پیش‌بینی آنها گرچه کمی دیر محقق شد ولی دنیا شاهد تحولات اساسی در زمینه ارتباطات و کسب و کار از طریق ظهور کامپیوترهای شخصی در دهه ۸۰ و ظهور اینترنت در دهه ۹۰ بود. آینده و آن هم از نوع دیجیتال وارد شده بود.

باز این دهه ۶۰ بود که در آن آینده‌پژوهی به عنوان یکی از رشته‌های جدید علوم پایه‌ریزی شد. اولین دوره آموزشی آینده‌پژوهی در سال ۱۹۶۳ توسط جیم دیتور در انتستیتو پلی تکنیک ویرجینیا تدریس شد. کوتاه مدتی پس از آن وندل بل سری دوره‌های آموزشی خود در دانشگاه بیل شروع کرد. پس از انتقال دیتور به دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه هاوایی، وی دوره‌های آینده‌پژوهی متمرکزی در آن دانشگاه برای دانشجویان دوره‌های فوق لیسانس و دکترا ایجاد نمود. در سال ۱۹۷۴ اولین دوره تخصصی فوق لیسانس برای آینده‌پژوهی در دانشگاه هوستون توسط جیب فاولز و کریس دید برپا شد. بعدها مشابه این دوره در دانشگاه‌های ماساچوست، آکرون، مینه سوتا، یواسی و دانشگاه ایالتی پورتلند نیز دایر شد.

در حال حاضر آینده‌پژوهی از پهنه وسیع‌تری نسبت به دوران طلایی ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ برخوردار است. دنیای امروز

نسبت به آن سال‌ها آمادگی و صراحت بیشتری برای ملحوظ کردن آینده دارد. بر خلاف آن دوران، آینده‌پژوهی تنها به عده معنوی از نویسنده‌گان و استادان محدود نمی‌شود بلکه دنیای کسب و کار، دولتمردان و فرهیختگان همگی در حال بیداری و در ک این واقعیت هستند که برای اینکه آینده موفقی داشته باشیم باید بر روی آن تمرکز کنیم. بدین ترتیب است که برنامه ریزی استراتژیک بر مبنای چشم اندازها و متکی بر سناریوها، امکان‌پذیر خواهد بود. [۴۶]

آینده‌پژوهی چیست؟

آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوهای و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌باشد. آینده‌پژوهی معادل لغت لاتین "Futures Studies" است. کلمه جمع Futures به این دلیل استفاده شده است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از متداول‌ترین الگوهای و بهجای تصور « فقط یک آینده»، به گمانه زنی‌های سیستماتیک و خرد ورزانه، در مورد نه فقط «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصور» مبادرت می‌ورزد. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «مطلوب» برای دگرگونی از حال به آینده می‌باشند.

اهمیت آینده‌پژوهی

سرعت تغییرات آنچنان سرسام‌آور است که دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی با آنها کنار آمد. اگر با تغییرات همگام نشویم، زیر چرخ عظیم تغییر خرد خواهید شد. اما آیا امکانی برای اطلاع یافتن از آینده برای ما وجود دارد؟ قطعاً در مورد آینده هیچ چیز یقینی وجود ندارد و این از اصول اولیه آینده‌شناسی است. اما اصل دیگری هم وجود دارد که: انسان می‌تواند در سرنوشت آینده تاثیرگذار باشد. در این میانه دانشی زاده می‌شود که سعی می‌کند با پیش‌بینی عوامل موثر در تغییرات آینده به صورتی دوگانه، هم مهار تغییرات را در دست گیرد و هم جامعه را برای این تغییرات آماده کند. آینده‌پژوهی فراتر از پیش‌بینی است و ادعای پیش‌گویی هم ندارد. آینده‌پژوهی هنر شکل دادن به آینده است، به آن شکل که آینده را می‌خواهیم. آینده اساساً قرین به عدم قطعیت است. با این همه، آثار و رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیات که ریشه در گذشته و حال دارند، می‌توانند رهنمون ما به آینده باشند. ادامه تصمیم‌گیری صرفاً بر پایه تجرب گذشته، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و ممکن است ما را با تلحکامی‌های جرماناپذیر رو برو کند. عدم قطعیت نهفته در آینده برای بعضی، توجیه کننده عدم دور اندیشی آنان است و برای عده ای دیگر منبعی گرانبهای از فرصت‌ها.

تفاوت آینده‌پژوهی و آینده‌نگری

واژه «Futures Studies» یا آینده‌پژوهی به انواع مطالعات مربوط به آینده اطلاق می‌شود. این مطالعه، پیچیده و در عین حال عمومی است و گستره آینده را در خصوص مطالعه آینده ممکن دربرمی‌گیرد. بر خلاف آینده نگری (Foresight)، بطور کلی وظیفه آینده‌پژوه شناخت همه جانبه آینده است ولی لزوماً اقدام گرا، اکتشافی یا مبتنی بر مشارکت نیست. آینده‌پژوهی مجموعه فعالیت‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوهای و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه ریزی آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بیان می‌کند که چگونه از واقعیت‌های

متغیر امروز، فردا ایجاد خواهد شد به عبارتی وظیفه او شناخت فردا است مستقل از آنکه چگونه از آن بهره برداری شود. آینده نگری روشی نظام مند، مشارکتی، هوشمندانه، مبتنی بر مطالعات بلند مدت با فرآیندی برای ساخت چشم انداز است که باعث توانمندسازی تصمیم گیری امروز برای تعیین اقداماتی پویا و پیوسته برای آینده می‌شود. [۱۱]

تعريف آینده‌نگری

به نظر می‌رسد ارائه تعریف مشخص و دقیق از آینده‌نگری به دو دلیل مشکل باشد. اولاً تفاوت دیدگاه‌های افراد مختلف که آینده‌نگری را از حوزه مورد علاقه خود و یا احیاناً از حوزه دانش خود می‌نگرند، باعث می‌شود تا آنان تعریفی بر اساس دیدگاه موجود در آن حوزه یا دانش ارائه دهند. ثانیاً عمر کوتاه و سر تجربیات گوناگون از این دانش باعث گردیده است که مفهوم آینده‌نگری مرتباً تغییر یابد. جهت روشن شدن ابعاد مختلف آینده‌نگری برخی از تعاریف مطرح شده در متون علمی را از منظر اندیشمندان این حوزه بیان کرده و درنهایت مورد مقایسه قرار می‌دهیم.

بن مارتین:

بن مارتین به عنوان یکی از منتقدین و پیشروان بحث آینده‌نگری، اولین تعریف از آینده‌نگری را که مورد پذیرش عمومی قرار گرفت، ارائه داد. وی در سال ۱۹۹۵ آینده‌نگری را به صورت ذیل تعریف نمود: [۲۷]

«آینده‌نگری، فرآیند سامان‌مند برای نگاه به آینده بلندمدت علم، تکنولوژی، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع می‌باشد که با هدف شناسایی تکنولوژی‌های عام نوظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقات استراتژیکی صورت می‌گیرد که احتمالاً بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد.»

لوک جورجیو:

به نظر وی «آینده‌نگری ابزاری سیستماتیک برای ارزیابی آن دسته از توسعه‌های علمی و تکنولوژیکی است که می‌توانند تاثیرات بسیار شدیدی بر رقابت صنعتی، خلق ثروت و کیفیت زندگی داشته باشند.» [۲۷]

هورتون:

«آینده‌نگری فرآیند توسعه گسترده‌ای از دیدگاه‌ها در مورد راههای امکان‌پذیر برای توسعه آینده است که ایجاد درکی کافی در خصوص این دیدگاه‌ها منجر به تصمیم گیری‌هایی می‌شود که بهترین فرایم ممکن را خلق می‌کند.» [۲۷]
گویگان:

آینده‌نگری «فرآیند سیستماتیک، مشارکتی و گردآورنده ادراکات آینده است که چشم‌اندازی میان مدت تا بلندمدت را با هدف اتخاذ تصمیمات روزآمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد.» [۲۷]

وبستر:

«آینده‌نگری فرآیند سازماندهی شده و هدفمندی است که انتظارات بازیگران مختلف در مورد تکنولوژی را با هم جمع کرده و چشم‌اندازهای استراتژیک در مورد آینده را تدوین می‌کند تا حامی و مصدق توسعه اقتصادی و اجتماعی گسترده گردد.» [۲۷]

لاوریدج:

دنیس لاوریدج واژه آینده‌نگری را این‌طور تعریف می‌کند:
«آینده‌نگری توصیف مجموعه‌ای از رهیافت‌ها برای بهبود شیوه‌های تصمیم گیری و تصمیم‌سازی شامل تحلیل عوامل کلیدی موثر بر تغییرات جهت توسعه چشم‌انداز استراتژیک و پیش‌بینی هوشمند است.» [۲۷]

اسلاتر :

ریچارد اسلاتر در دانش واژه آیندهپژوهی، آیندهنگری را یک ظرفیت عام جهت توانمندسازی بشر برای تفکر در خصوص آینده می‌داند.

«آیندهنگری یک ظرفیت عام است که فرد را قادر می‌سازد تا در باب آینده بیندشید و احتمالات آینده را بررسی، مدلسازی و خلق کرده و در مقابلش نشان دهد. این توانایی بر پایه توانایی‌های نظام ذهنی عصبی مغز انسان بنا شده است که از پیوندهای رشتۀ‌های عصبی به منظور انجام روش‌های پیچیده ادراک که کارکرد تسهیل کننده و حمایت کننده دارند بهره می‌برد» [۱]

کمیسیون اتحادیه اروپایی (فورن):

کمیسیون اتحادیه اروپایی توسعه منطقه‌ای (فورن) آیندهنگری را چنین توصیف کرده است: «آیندهنگری فرآیند مشارکت سیستماتیک، اجتماع هوشمندانه و ساختن چشم‌انداز میان مدت و بلند مدت آینده است که با هدف شکل‌دهی تصمیمات جهت معماری فعالیت‌های آینده صورت می‌پذیرد.» [۵۰] در جدول ذیل تعاریف مطرح از طرف اندیشمندان با یکدیگر مقایسه شده است تا نکات اشتراک و افتراق این تعاریف از نظر اشاره به هشت وجه مختلف، مشخص شود.

جدول- مقایسه تعاریف آینده نگری

بیش بینی هوشمندانه	انخواه بصیرات	گروه‌آوری ادراکات	بسیج اقدامات	آینده پنهان مدن	ساخت هشتم اندیز	مشترکی	سازمان‌عندی و سیستماتیک پژوهند	فرآیند	سال (میلادی)	نظریه پردازان
		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۲۰۰۴	وبستر
				✓	✓	✓	✓	✓	۱۹۹۹	مارتین
				✓	✓	✓	✓		۲۰۰۶	لوک جورجیو
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۱۹۹۹	هورتون
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۲۰۰۱	گویگان
✓	✓	✓		✓	✓		✓		۲۰۰۶	ریچارد اسلاتر
✓	✓	✓	✓		✓	✓		✓	۲۰۰۹	لاوریج
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۲۰۰۲	فورن

جمع بندی تعاریف و دیدگاه‌های مختلف از آیندهنگری بیانگر گستردگی حوزه دید کارشناسان خبره در خصوص علم آیندهنگری است با این وجود بر اساس شاخص‌هایی که در جدول آمده می‌توان گفت سازمان‌مندی و سیستماتیک

بودن، ساخت چشم انداز و آینده بلندمدت نقطه اشتراک این تعاریف است که بعضاً برخی اندیشمندان به فرآیند بودن این کار نیز تاکید کرده‌اند.

آینده‌نگری و پیش‌بینی^۱

شاید در بسیاری از موارد آینده‌نگری و پیش‌بینی را دارای تشابهات ماهیتی فراوان دانسته و تفاوتی بین آن‌ها قائل نباشیم. اگرچه گاهاً آینده‌نگری و پیش‌بینی دو اصطلاح مشابه در عرصه برنامه‌ریزی هستند ولی دارای تفاوت‌های اساسی با هم هستند. به منظور تشریح تفاوت آینده‌نگری و پیش‌بینی ضروری است تا دو پارادایم مختلف برنامه‌ریزی برای آینده مروء شوند.

در پارادایم اول که پارادایم سنتی یا اکتشافی نامیده می‌شود، آینده نتیجه‌های علی و معلولی از وضعیت حال می‌باشد و آینده، آینده‌های محتوم، صلب و ثابت است. بدین ترتیب تاریخ مطابق با قوانین خود حال را به آینده تبدیل می‌نماید. در این پارادایم آدمی ناظری بیرونی است که تنها می‌تواند به اکتشاف آن آینده محتوم بپردازد و پیش‌بینی تنها نیم نگاهی است به پلانهای باقیمانده از فیلمی که در حال پخش است. سوالاتی که در این پارادایم طرح و پاسخ داده می‌شود در مورد این است که آینده دارای چه وضعیتی است؟ و ما چگونه خود را با آن آینده وفق می‌دهیم؟ [۷] پارادایم دوم که پارادایم خاستگاه مفهوم آینده‌نگری می‌باشد با یک رویکرد کاملاً متفاوت نسبت به پارادایم قبلی مطرح می‌گردد. در این پارادایم آدمی با علم به توانایی‌های خود در ساخت و تغییر جهان، خود را بازیگری توانمند در دنیا می‌بیند که داعیه تغییر تاریخ و جهان را دارد. در این الگو، آینده نتیجه‌های از اعمال حال و آینده ماست، به عبارتی دیگر آینده ساخته می‌شود و قابل ساختن است. آدمی جایگاه و منظر بیرونی خود را رها کرده به عنوان بازیگر، نقش ایفا می‌نماید. آینده محتوم نبوده و آینده‌های متفاوتی امکان پذیر می‌گردد. [۷]

در پارادایم اول، که بر پیش‌بینی تمرکز دارد، مساله اصلی در خصوص پیشگویی تمرکز دارد، مساله اصلی در خصوص پیش‌گویی دقیق آینده است در مقابل آینده‌نگری بدنیال پیشگویی نیست بلکه فرآیندی است که بدنیال ایجاد بینش‌های مشترک از آینده می‌باشد بینش‌هایی که ذینفعان بهوسیله اقدامات کنونی خود، حمایت خود را از آنها اعلام می‌کنند. با وجود اینکه امروزه پیش‌بینی همچنان یکی از حوزه‌های مهم و کلیدی آینده‌پژوهی است اما از دهه ۷۰ میلادی آینده‌نگری به سنت حاکم بر آینده‌پژوهی تبدیل شده است. در واقع آینده‌نگری از پیش‌بینی محض فراتر می‌رود و به طراحی و معماری آینده مطلوب معطوف می‌شود. [۴۶]

در بسیاری از موارد آینده‌نگری با سایر فعالیت‌های مشابه مانند پیش‌بینی و برنامه‌ریزی راهبردی اشتباہ گرفته می‌شود. آینده‌نگری نباید با پیش‌بینی که دارای پیش فرض‌های ثابت در مورد چگونگی شکل‌گیری آینده است اشتباہ گرفته شود. آینده‌نگری به دنبال پیشگویی نیست بلکه فرآیندی است که با تمرکز بر خلق آینده در پی خلق چشم‌اندازهای مشترک از آینده است.

جدول - مقایسه پیش‌بینی و آینده‌نگری از ابعاد مختلف [۷]

پیش‌بینی	آینده‌نگری
با حضور چند خبره	با مشارکت گسترده و سطوح مختلف مردم
متمرکز بر حوزه‌های خاص	متمرکز بر حوزه‌های عام و کلان
فقط تحلیل آینده	تحلیل و طراحی آینده
عدم تعیین آینده مطلوب	راهکارهای تعیین آینده مطلوب
عدم توجه به ساخت آینده	راهکارهای ساخت آینده
عدم وجود انگیزه برای شکل‌دهی به آینده	باور عمومی و مشارکت جمعی برای تحقق چشم انداز

چهارچوب پژوهش

چهارچوب تدوین شده پژوهش حاضر از سه فاز اصلی آینده‌نگری مارتین شامل پیش آینده‌نگری، آینده‌نگری و پسا آینده‌نگری تشکیل شده است و بر آن اساس برخی از گام‌هایی که وی برای اجرای یک مطالعه آینده‌نگری ارائه نموده و مناسب اجرای فعالیت آینده‌نگری مطالعه حاضر بوده و در تجربیات کشورها و صنایع مختلف استفاده شده است، به عنوان فعالیت‌های اصلی آینده‌نگری به کار گرفته شده است. مارتین عناصر اصلی آینده‌نگری را در سه مرحله نشان می‌دهد: پیش آینده‌نگری (کارهایی که قبل از آینده نگری باید انجام داد)، آینده‌نگری (فرآیند اصلی آینده‌نگری) و پسا آینده نگری (فرآیند پیاده‌سازی نتایج آینده نگری).

فاز اول: پیش آینده نگری

تعیین اهداف

تعیین افق زمانی

تعیین قلمرو

و....

فاز دوم: آینده نگری

تعیین روش و ابزار تحلیل

جمع آوری و تحلیل داده ها

تدوین سناریوها

و....

فاز سوم: پسا آینده نگری

تعیین روش انتشار نتایج

تعیین ابزارهای انتشار نتایج

تعیین پروژه ها و اقدامات اجرایی

و....

شکل - چهارچوب آینده‌نگری صنعت کفش

الف) مرحله پیش آینده‌نگری

در این مرحله ابتدا در خصوص آغاز آینده‌نگری تصمیم‌گیری می‌شود: با توجه به آن که انجام آینده‌نگری به منابع قابل توجهی نیازمند است لذا اولین مرحله باید تصمیم‌گیری سطوح بالا نسبت به انجام فرآیند آینده‌نگری باشد. در کشورها، صنایع و سازمان‌هایی که قبلاً آینده‌نگری به خوبی مورد توجه قرار نگرفته است مدیران ارشد یا یک تیم مشاوره تخصصی باید رهبری آینده‌نگری را بر عهده گیرد تا تعهد لازم برای انجام آن بوجود آید. سپس فعالیت‌های آماده‌کننده و تدارک کننده صورت می‌گیرد. بعيد است پروژه آینده‌نگری بدون تدارک نیازهای اولیه‌اش و بدست آوردن اتفاق نظر در اجرا و اهداف آن؛ موفقیت آمیز باشد. لذا لازم است در ابتدا نیاز به اولویت‌بندی و اتخاذ سیاست‌های بلند مدت مورد پذیرش قرار گیرد. در آغاز کار لازم است تعهد لازم در این زمینه با جلسات مباحثه بین فعالان یا کمیته مشورتی؛ کارگاه‌ها و سایر فرصت‌های بحث و تبادل نظر ایجاد شود. در این مرحله، طراحی فرآیند آینده‌نگری نیز انجام می‌شود. طراحی فرآیند آینده‌نگری بسیار حیاتی است زیرا باید این فرآیند باعث تحقق اهداف شده و گزینه‌ها و راه حل‌های مناسبی برای مشتریان تولید کند. هدف‌گذاری، تعیین افق زمانی با توجه به دغدغه فعالین صنعت کفش ایران نسبت ساختار صنعت، نوع تولیدات، قاچاق و توانایی‌های مدیریتی، نرخ ارز و ...، تعیین قلمرو، امکانات، محدودیت‌های مالی و زمانی و تعیین مخاطبین تحقیق تعیین گردید.

ب) مرحله اصلی آینده‌نگری

یکی از کارهای اصلی که در این مرحله انجام می‌شود، تحلیل وضعیت صنعت مورد مطالعه است. در این بخش هدف ارزیابی گزینه‌های مختلف در تحقیقات اعم از فعالان؛ تخصیص منابع و هزینه فرصت‌ها (مانند اثرات اجتماعی اقتصادی) است. در انتهای این مرحله نتایج فرآیند آینده‌نگری منتشر می‌شوند. بسیاری از فعالیت‌های آینده‌نگری در انتشار تجارب‌شان شکست خورده‌اند. مهم آن است که مخاطبان هدف انتخاب شوند و بهترین ابزار انتشار نتایج نیز تعیین شود. تحويل نتایج و اجرای فرآیند پیگیری از حصول نیز باید انجام شود. یکی از نتایجی که می‌توان گرفت این است که نتایج باید برای مشتریان و نیازهایشان مناسب باشد بطوریکه نه شرایطی باشد که همه آنها تا سطح جزئیات درگیر شوند و نه این طور باشد که بطور کلی نادیده گرفته شوند. ثانیاً، سیاست‌گذاران باید در فرآیند درگیر شده و همیشه اطلاعاتشان به روز باشد نه اینکه در انتهای کار از نتیجه مطلع شوند. ثالثاً، داشتن کمیته مشورتی سطح بالا می‌تواند به عنوان یک عامل انتشار عقاید عمل کند و پیشنهادات را مطرح نماید تا شناس دریافت نتیجه قابل پیاده‌سازی بیشتر شود. آخرین مورد اینکه ارائه نتایج حیاتی است. وقتی تصمیم‌گیران مخاطبین این نتایج باشند؛ نتایج آینده‌نگری باید در حد امکان شفاف باشد تا به عنوان پایه تصمیم‌گیری بکار رود. برای یک مخاطب عام و غیر متخصص لازم است فواید کار به صورت اخبار و خلاصه‌ای از نحوه آماده‌سازی نتایج بیان شود. در این مرحله از روش تحلیل اثر روند برای تدوین سناریوها استفاده گردید و خروجی‌های تحقیق از طریق گزارشات، مقالات و به صورت مکتوب و آنلاین در اختیار ذینفعان تحقیق قرار گرفت.

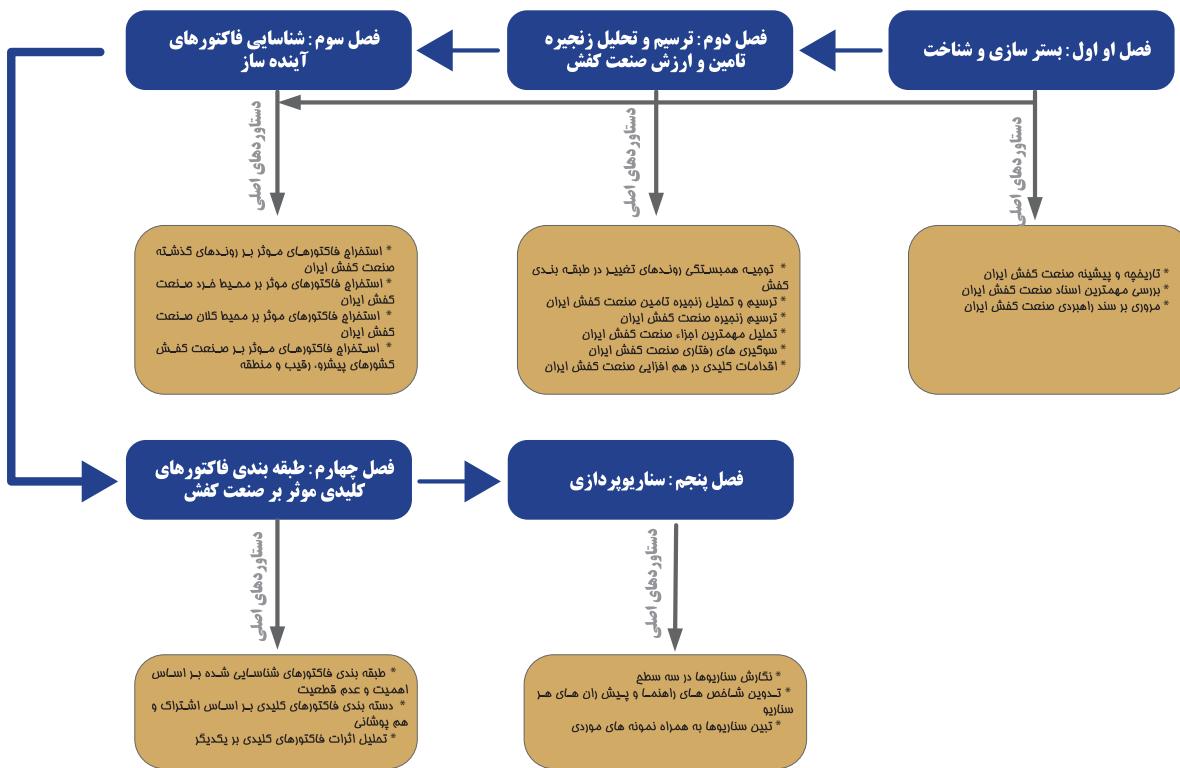
ج) مرحله پسا آینده‌نگری

در این مرحله سیاست‌هایی برای آغاز یک برنامه عملیاتی اتخاذ می‌شود. اولین قدم؛ تصمیم‌گیری در زمینه برنامه‌ریزی برای انجام تحقیق یا اجرای پروژه‌ها است. این امر ممکن است نتیجه مستقیم آینده‌نگری باشد یا بطور غیرمستقیم

از عوامل سیاسی و مدیریتی منتج شده باشد. پس از آن برنامه و جهتدهی مجدد رهبری تعریف می‌شود. یکی از کارهایی که در این بخش باید انجام شود ایجاد یک سلسله مراتب از اهداف برای برنامه‌ریزی و سپس اتخاذ راهبرد برای دستیابی به این اهداف و ایجاد یک سیستم مدیریتی موثر است. یک عنصر کلیدی در تعیین سیستم مدیریتی موثر؛ ارزیابی متناوب و در صورت نیاز تغییر مجدد استراتژی کلی است. در این بخش باید کاربران بالقوه که از برنامه‌های بخش‌های قبل منتفع می‌شوند تعیین شده و بهترین رویکرد برای انتشار نتایج و تعیین متولی انتشار نتایج و پیگیری فرآیند پیاده‌سازی ارائه و تصمیم گیری شود.

دستاوردها و نحوه ارتباط فصل‌ها

تحقیق حاضر در ۵ فصل تدوین گشته است. فصل اول به بررسی مهم‌ترین سندهای بالادستی و راهبردی صنعت کفش می‌پردازد، فصل دوم به ترسیم و تحلیل زنجیره تامین و صنعت پرداخته، فصل سوم به گردآوری متغیرهای شکل دهنده آینده‌های بدیل صنعت متمرکز شده، در فصل چهارم متغیرهای شناسایی شده تحلیل و پایه‌های اصلی برای فصل پنجم یعنی نگارش سناریوها را آماده ساخته و در نهایت در فصل پنجم سناریوهای صنعت کفش ایران نگارش یافته است. نحوه ارتباط بین فصل‌ها و دستاوردهای هر فصل به صورت نمودار ذیل می‌باشد.



شکل - دستاوردها و ساختار ارتباط فصل‌ها